

Stages of Satan's influence and ways to deal with it Based on the analysis of the thematic content of the Imam Ali's (AS) sermon

Fathiyeh Fattahizadeh^{*}, Sedigheh Kashefi^{}**

Mohammad Etratdoost^{*}**

Abstract

Man is a perfectionist being and needs to identify obstacles in his path to promote growth. One of the greatest hindrances to human perfection is the devil or Satan. Considering the role of Satan in misguiding man and the concurrent advice of Imam Ali (AS) in this regard can be found in his highest and most important sermon known as Qaseh, which was delivered after the battle of Nahrawan. In this sermon, the Imam vigorously tried to explain the nature of the devil, to provide a comprehensive picture of the stages of his influence on man and the strategies to deal with it. Accordingly, using the method of "content analysis" and the technique of "qualitative content analysis" in this research, the most important themes and conceptual components expressed in relation to the devil have been identified. This is while extracting the main and secondary themes, citing the words of Imam Ali (AS) in the sermon of Qaseh, to explain components such as: examining the word Satan and Iblis (the titles of the devil), representatives and confirmers of Satan, the

* Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Alzahra University, Tehran, Iran, f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

** Graduated from Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Alzahra University, Tehran (Corresponding Author), skashefi255@gmail.com

*** Assistant Professor in Department of Theology, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran, Etratdoost@sru.ac.ir

Date received: 26/10/2020, Date of acceptance: 18/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

scope of Satan's vicious activity, the factors of Satan's disgust, Satan's strategies to deceive man and the stages of his influence and finally, the doctrinal and practical strategies that can prevent the influence of the devil on man. Finally, based on the words of the Imam, an attempt has been made to provide a comprehensive picture of the category of "knowing the devil".

Keywords: Imam Ali (AS), Qaseh sermon, Satan, Iblis, content analysis, influence.

مراحل نفوذ شیطان و راه‌کارهای مقابله با آن بر مبنای تحلیل محتوای مضمونی خطبه قاصعه امام علی (ع)

فتحیه فتاحی‌زاده*

صدیقه کاشفی**، محمد عترت دوست***

چکیده

انسان موجودی کمال طلب است و برای رشد خود نیاز به شناسایی موانع مسیرش دارد. از جمله موانع بزرگ در مسیر دستیابی به کمال انسانی، شیطان است. عنایت به نقش شیطان در ضلالت انسان و توصیه‌های مکرر امام علی (ع) در این رابطه را میتوان در بلندترین و مهم‌ترین خطبه‌ی امام علی (ع) مشهور به خطبه‌ی قاصعه که پس از جنگ نهروان ایراد شده، جست‌وجو کرد. حضرت در این خطبه تلاش کرده‌اند تا ضمن تبیین ماهیت شیطان و ویژگی‌هایش، تصویر جامعی از مراحل نفوذ او در انسان و راهکارهای مقابله با آن ارائه کنند. بر این اساس در این پژوهش کوشش شده با استفاده از روش «تحلیل محتوا» و بهره‌گیری از فن «تحلیل مضامین کیفی»، مهم‌ترین مضامین و مؤلفه‌های مفهومی بیان شده در رابطه با شیطان را شناسایی کرده و ضمن استخراج مضامین اصلی و فرعی بیان شده پیرامون این موضوع، با استناد به کلام امام علی (ع) در خطبه قاصعه، به تبیین مؤلفه‌هایی از جمله: بررسی واژه شیطان و ابلیس در خطبه، القاب شیطان، نمایندگان و تأییدکنندگان

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا(س)، تهران،

f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

** کارشناس ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

(نویسنده مسئول)، skashefi255@gmail.com

*** استادیار، گروه الهیات، دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی، تهران، ایران، Etratdoost@sru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

شیطان، گستره فعالیت شیطان، عوامل انزجار شیطان، راهکارهای شیطان برای فریب انسان، مراحل نفوذ شیطان، سرانجام نفوذ شیطان در انسان و تبیین راهکارهای اعتقادی و عملی بازدارنده از نفوذ شیطان بپردازیم. در نهایت با مبنا قرار دادن کلام امام علی(ع)، تلاش شده تا تصویری جامع از مقوله «شناخت شیطان» در این مقاله ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، خطبه قاصعه، شیطان، ابلیس، تحلیل محتوا، نفوذ.

۱. مقدمه

شیطان این دشمن دیرینه انسان که به عزت پروردگار قسم خورده تا همه‌ی انسان‌ها را بفریبد، به اذن خداوند در عرصه ابتلاء و آزمایش انسان مهم‌ترین مانع در جهت قُرب ربوبی می‌باشد. شناخت این دشمن و راه‌های نفوذش در زندگی از اصلی‌ترین وظایف هر انسانی است، اما متأسفانه به دلیل مداخله و تدلیس شیطان غالباً این مهم، مورد غفلت قرار می‌گیرد، این در حالی است که در آموزه‌های قرآنی و احادیث نورانی اهل‌بیت(ع) به این مسئله توجه بسیاری شده است.

به عنوان نمونه در قرآن کریم برای شیطان اوصاف متعددی ذکر شده تا این موجود وسوسه گر و مکار را معرفی کند. امیرالمؤمنین علی(ع) نیز در موارد متعددی از خطابه‌های خود، به شناساندن این موجود شرور پرداخته است که یکی از مهم‌ترین آنها، خطبه قاصعه می‌باشد. آن حضرت در این خطبه با جزئیات بیشتری به معرفی شیطان پرداخته و به تفصیل در رابطه با گونه‌های مختلف وسوسه‌ها و القائنات شیطانی صحبت کرده‌اند.

از آن‌جا که مطالعه عمیق و دقیق نصوص دینی از جمله احادیث اهل‌بیت(ع) نیازمند بهره‌گیری از روش‌های تحقیق متن محور و استفاده از ابزارهایی است که بتواند موضوعی خاص را در میان حجم انبوهی از متون، استخراج کرده و مورد بازخوانی و تجزیه و تحلیل قرار دهد، لذا به همین منظور در این مقاله پژوهشی تلاش شده با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به مثابه یک روش تحقیق متن محور و میان‌رشته‌ای که می‌تواند پیام‌های آشکار و مضامین پنهان متن را کشف و دسته‌بندی کرده و در نهایت الگوی جامعی از آن مقوله خاص را در چارچوب کلی متن به تصویر بکشد، به مطالعه خطبه قاصعه

مراحل نفوذ شیطان و راه کارهای مقابله با آن ... (فتحه فتاحی زاده و دیگران) ۵

امام علی (ع) پرداخته و از رهگذر تجزیه و تحلیل مفاهیم این خطبه، تصویر جامعی از مقوله «شیطان» را بدست آوریم.

در رابطه با متن خطبه قاصعه به عنوان متن مورد تحقیق این مقاله پژوهشی باید گفت که مطالعه تخصصی کلمات امام علی (ع) به ویژه آنچه در نهج البلاغه نقل شده، نشان می دهد که از مجموع کلمات و نامه ها و خطبه های ایشان، به مقوله شناخت شیطان در خطبه قاصعه، با تبیین جزئیات بیشتری نسبت به دیگر خطبه ها پرداخته شده است به گونه ای که عموم شارحان و مترجمان نهج البلاغه، موضوع کلی این خطبه را پرهیز از اطاعت شیطان (ر.ک: راوندی، ۱۳۶۴، ج ۲/۲۲۷)، پرهیز از کبر و غرور (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۲۱، ج ۱۳/۱۰۱)، دعوت به مطالعه تاریخ و عبرت گرفتن از آن (ر.ک: خوئی، ۱۳۵۸، ج ۱۱/۲۶۶) بیان کرده اند. این در حالی است که مطالعه دقیق محتوای خطبه با استفاده از روش تحلیل محتوا در قالب یک پایان نامه ارشد نشان داد که حضرت (ع) در این خطبه به مقوله های متعددی پرداخته است که یکی از مهم ترین موضوعات بیان شده، موضوع شناخت شیطان است (ر.ک: کاشفی، ۱۳۹۷: ۸۹-۹۴).

از این رو در این مقاله سعی داریم تا با شناساندن شیطان، و راه های مقابله با وی گامی را برای رسیدن به قله های رفیع انسانیت به تصویر کشیم. بر همین اساس این مقاله با این سؤالات که به چه دلیل شناخت شیطان مهم است؟ چه کسانی نمایندگان شیطان هستند؟ راهکارها و مراحل نفوذ شیطان چیست؟ و چه عواملی مانع نفوذ شیطان می شود؟ به تحلیل محتوای خطبه قاصعه پرداخته و نتایج بسیاری به دست آورده است.

۲. پیشینه و نوآوری تحقیق

در رابطه با پیشینه تحقیق باید گفت اگرچه در خصوص خطبه قاصعه امیرالمؤمنین علی (ع)، تحقیقات مختلفی انجام شده است، ولیکن اکثر از این پژوهش ها فقط به جنبه های تاریخی و اجتماعی خطبه توجه داشته اند، مانند: پایان نامه «بررسی و تحلیل خطبه قاصعه و پیوند آن با زمینه های سیاسی اجتماعی کوفه» اثر محمد هادی امین ناجی در دانشگاه تربیت مدرس که عمدتاً به بررسی وضعیت جامعه کوفه در روزگار ایراد خطبه پرداخته و ارتباط محتوایی خطبه قاصعه با جامعه آن عصر را مورد بررسی قرار داده و عملاً ورود محتوایی به متن خطبه نداشت است (ر.ک: امین ناجی، ۱۳۷۵). در پایان نامه «شرح خطبه قاصعه

امام علی(ع) اثر غلامحسین کمیلی تخته جان نیز نویسنده تلاش کرده با آوردن معانی واژه‌ها از کتب لغت و استفاده از شروح مختلف، به توضیح و تفسیر عبارات‌های مبهم خطبه بیردازد (ر. ک: کمیلی تخته جان، ۱۳۸۲).

بخش دیگری از پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص خطبه قاصعه، توجه به وجوه ادبی و بلاغی و زبان‌شناختی واژگان آن بوده است. به‌عنوان نمونه در پایان‌نامه «اعراب و بلاغت خطبه‌ی قاصعه در نهج‌البلاغه»، طاهره موسویان تلاش کرده وجوه اعرابی و بلاغی برخی جملات خطبه را مورد بررسی و کاوش قرار داده و میزان آشنایی بسیار دقیق و عمیق امام علی(ع) را نسبت به صنایع ادبی کلام عربی با مطالعه موردی این خطبه ترسیم نماید (ر. ک: موسویان، ۱۳۹۳). در پایان‌نامه «بررسی زبان‌شناختی خطبه‌ی قاصعه‌ی نهج‌البلاغه» اثر رحمت ابراهیم‌زاده نیز مشابه مورد قبل تلاش شده با کشف ارزش‌های ادبی و بلاغی خطبه قاصعه از بعد زبان‌شناختی و بررسی لغوی واژگان و ساختار صرفی و نحوی، اسلوب‌های معنایی خطبه بررسی شود (ر. ک: ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹). در پایان‌نامه «بررسی و تحلیل واژگان مشکل نهج‌البلاغه در خطبه قاصعه» اثر مهسا شاه بیدکی نیز همانند موارد قبل صرفاً به بررسی واژگان مشکل خطبه‌ی با بهره‌گیری از کتب غریب الحدیث توجه شده است (ر. ک: شاه بیدکی، ۱۳۹۵).

بر این اساس وجه نوآوری و تمایز مقاله حاضر نسبت به دیگر پژوهش‌ها این است که:

اولاً با استفاده از روش تحلیل محتوا به مطالعه متن و نص اصلی خطبه پرداخته و گزارش دقیقی از موضوعات اصلی و فرعی خطبه و سنجش فراوانی آنها ارائه کرده است. ثانیاً با نگاهی مسئله محور به یکی از موضوعات مهم مطرح در خطبه با عنوان «شیطان» توجه نموده و تلاش کرده ویژگی‌های شیطان، نمایندگان شیطان، راه‌های نفوذ در آدمی و عوامل بازدارنده از این نفوذ را در قالب ساختاری نظام‌مند تبیین نماید. ثالثاً تلاش شده در پایان با ارائه نمودار، الگوی جامع مؤلفه شناخت شیطان از منظر امام علی(ع) در خطبه قاصعه ترسیم شود. بی‌شک توجه به این الگو می‌تواند نقش اثرگذاری در جهت پیمودن مسیر کمال و سعادت داشته باشد.

۳. جدول تحلیل محتوای مقوله «شیطان» در خطبه قاصعه امام علی (ع)

از آن‌جاکه برای تحلیل نصوص دینی به روش‌های تحقیق متن محوری نیاز است که بتواند تمامی جوانب متن و فرامتن را سنجیده و لایه‌های عمیق مضمونی متن را شناسایی کند، لذا در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده تا پس از استخراج مضامین اصلی و فرعی، بتوان با توجه به ساختار کلی خطبه، درنهایت الگویی که از کلام حضرت قابل استفاده است را به تصویر کشید. روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های تحقیق جهت تبیین اندیشه‌های بیان شده در یک متن است.

روش «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی و به‌منظور تفسیر و تحلیل محتواست و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از شناسایی اجزای یک متن (کلمات، جملات، بندها و مانند آن، برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) و تعیین جایگاه و رتبه آنها در نظام مقوله‌ها» (باردن، ۱۳۷۴: ۲۹). در این روش از تکنیک‌های مختلفی استفاده می‌شود که در رشته‌های مختلف علمی و متناسب با موضوع پژوهش، مورد استفاده قرار می‌گیرند (برای آگاهی بیشتر از نمونه کارهای انجام‌شده با این روش ر.ک: عترت دوست، ۱۳۹۸: ۲۹۱-۳۲۰).

اولین مرحله عملی در پیمایش روش تحلیل محتوا برای فهم و تحلیل دقیق متن، ترسیم جدول به‌منظور تجزیه متن به قطعات کوچک‌تر و استخراج کلید واژگان، موضوعات اصلی و موضوعات فرعی هر قطعه از متن است. سپس بر مبنای این جداول، ادامه‌ی فرایند روش تحلیل محتوا، که سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی هر متن است ادامه می‌یابد تا به شناسایی مهم‌ترین آن‌ها به‌منظور دستیابی به پیام اصلی خطبه نائل شویم.

لازم به ذکر است در این پژوهش، محور اصلی تحلیل، متن خطبه‌ی قاصعه است؛ که براساس نسخه‌ی «منهاج البراعه» اثر حبیب‌الله خوئی استخراج شده (خویی، ۱۳۶۴: ۱۱). در این کتاب، اسناد خطبه‌ها و نامه‌ها به‌طور کامل و دقیق و حتی مربوط به قبل از نگارش نهج‌البلاغه توسط سیدرضی بیان شده است. در جدول زیر، عبارات خطبه بر اساس پیام اصلی هر جمله، تقطیع شده و مضامین اصلی و فرعی آن استخراج گردیده و درنهایت کدگذاری شده‌اند. این جدول به شکلی کدگذاری شده است که در تحلیل کیفی با نگاهی اجمالی به کدهای شناسه می‌توان به سند و منبع و علت آن تحلیل دست‌یافت. در ادامه به

علت حجم بالای جدول، تنها بخشی از آن به‌عنوان نمونه درج شده است (برای مشاهده جدول کامل ر. ک: کاشفی، ۱۳۹۷).

جدول ۱. تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی (ع)

ردیف	متن	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری
۱۲	<p>فَلَعَمْرِي لَقَدْ فَوَّقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ، وَ أَغْرَقَ لَكُمْ بِالْبَرْقِ الشَّدِيدِ، وَ رَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، وَقَالَ: (رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَا أَعْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ)، قَدْ فَا بَغِيْبِ بَعِيدِ، وَ رَجْمًا بَطْنٍ مُصِيبِ</p> <p>سوگند به جانم، شیطان تیر تهدید را به طرف شما راست کرده و آن را برای شما سخت کشیده و از فاصله نزدیک به شما تیراندازی نموده است. اوست که گفته است:</p> <p>(پروردگار من، به این سبب که تو مرا اغوا کردی (فریب دادی!!!) من هم در روی زمین برای فرزندان آدم (گناهان را) می آرایم و همه آنان را فریب می‌دهم) (این نابکار در اسناد اغوا به خدا) دور از واقع را به خدا نسبت داد و با پنداری خلاف حقیقت تیر به خلاء انداخت.</p>	<p>تیرگه شیطان و نحوه دشمنی او با بنده گان خدا</p>	سوگندهای حضرت امیر(ع) در بیان اهمیت دشمنی شیطان با انسان	۸۴۵
			آمادگی کامل شیطان برای نابودی انسان	۸۴۶
			انتقام شیطان از انسان با گمراه کردن او	Q۶
			جلوه گری دنیا راهی برای ایجاد گمراهی	Q۷
			سوگند شیطان برای اغوای همه جهانیان	Q۸
			گمان نادرست و غلوآمیز شیطان از گمراهی همگان	A۴۷
۱۳	<p>صَدَقَهُ بِهٖ اٰبْنَاءُ الْحَمِيَةِ، وَ اِخْوَانُ الْعَصِيْبَةِ، وَ فُرْسَانُ الْكِبْرِ وَ الْجَاهِلِيَّةِ. حَتَّىٰ اِذَا اِنْقَادَتْ لَهٗ الْجَامِحَةُ مِنْكُمْ، وَ اسْتَحْكَمَتِ الطَّمَاعِيَّةُ مِنْهُ فِيكُمْ، فَانْجَمَتِ الْحَالُ مِنَ السِّرِّ الْخَفِيِّ اِلَى الْاَمْرِ الْجَلِيِّ، اسْتَفْجَلَ سُلْطَانُهُ عَلَيْكُمْ، وَ دَلَفَ بِجُنُودِهِ نَحْوَكُمْ، فَاقْحَمُوهُمْ وَ لَجَاتِ الذَّلِّ، وَ اَحْلُوهُمْ وَرَطَاتِ الْقَتْلِ، وَ اَوْطُوهُمْ اِنْخَانَ الْجِرَاحَةِ، طُعْنًا فِي عُيُوبِكُمْ، وَ حَزًّا فِي حُلُوقِكُمْ، وَ دَقًّا لِمَنَاخِرِكُمْ، وَ قَصْدًا لِمَقَاتِلِكُمْ، وَ سَوْفًا بِخَزَائِمِ الْفَهْرِ اِلَى النَّارِ الْمُعَدَّةِ لَكُمْ</p> <p>شیطان را در این نابکاری، مردم رشک و حسد و دمسازان تعصب و سواران کبر و جاهلیت تصدیق نمودند. تا آنگاه که مردمی از شما که گریزان از شیطان بودند، گردن به فریبکاری او نهادند و طمعی که برای جلب شما داشت</p>	<p>تیرگری شیطان علیه بنده گان</p>	متکبران تصدیق کنندگان شیطان	۸۴۸
			متعصبان تصدیق کنندگان شیطان	۸۴۸
			جاهلان تصدیق کنندگان شیطان	A۵۰
			کبر، جهل و تعصب راهای نفوذ و تسلط شیطان بر انسان	A۵۱
			دشمنی آشکار شیطان با انسان	A۵۲
			طرح و نقشه شیطان در لشکر کشی علیه انسان	A۵۳

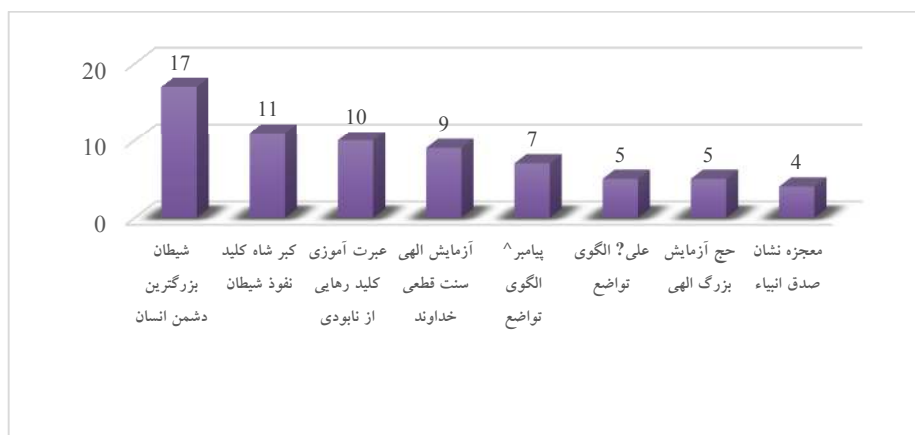
مراحل نفوذ شیطان و راه‌کارهای مقابله با آن ... (فتحه فتاحی‌زاده و دیگران) ۹

۸۵۴	خواری و نابودی و آتش جهنم سرانجام نفوذ شیطان		محکم گشت. با دگرگونی حال، رازهای پنهان در صحنه آشکار زندگی سر برآورد و او سلطه خود را بر شما مستولی ساخت و با لشکریانش با سرعت به سوی شما تاختن آورد، در نتیجه شما را در مغاره‌های ذلت و پستی فرود آوردند و در هلاکت گاه‌های نابودی وارد کردند، با نیزه‌ها که در چشمه‌ایان فرو کردند، با جراحتهای شدید که بر شما وارد نمودند و بریدن گلوها و در هم کوفتن سوراخ‌های بینی شما و کشاندن شما به کشتارگاه‌های شما و با راندن شما با مهارهای وصل شده به بینی‌هایتان به سوی آتشی که برای شما آماده شده است.	
۸۵۵	شیطان عامل ایجاد شکاف در دین	شیطان در روز قیامت دشمن است.	فَأَصْحَابُ الْعِزِّ فِي دِينِكُمْ جِرْحًا وَأُورِي فِي دُنْيَاكُمْ قَدْحًا مِنَ الدِّينِ أَصْبَحْتُمْ لَهُمْ مُنَاصِبِينَ، وَعَلَيْهِمْ مُتَأَلِّينَ. فَاجْعَلُوا عَلَيْهِ حُدُوكُمْ، وَلَهُ جُدُوكُمْ در نتیجه این ملعون به دین شما جراحی وارد کرد و در دنیای شما آتشی افروخت شدیدتر از آنان که با آنان عداوت دارید و بر آنان در حالت حمله و هجوم بسر می‌برید. پس تند و تیز به مبارزه با او برخیزید و برای راندن او نهایت کوشش را به کار ببرید.	۴
۸۵۶	شیطان عامل آتش‌افروزی در دنیا			
۸۵۷	شیطان خطر ناکتر و قوی‌تر از دشمن ظاهری			
۸۵۸	پیکار با شیطان نیازمند به کارگیری تمام قدرت			
۸۵۹	غلبه بر شیطان نیازمند دوری و دفع کردن او			

۴. تحلیل محتوای کمی مقوله «شیطان‌شناسی» در خطبه قاصعه امام علی (ع)

بر اساس جدول کمی، هر یک از واژگان کلیدی، موضوعات اصلی و موضوعات فرعی به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس اطلاعات آماری حاصل از جدول، میزان فراوانی هر کدام استخراج گردیده؛ سپس بر مبنای بسامدگیری واژگان و موضوعات استخراج شده، نمودارهای مجزایی ترسیم گردیده است (برای آگاهی از فرایند اجرای روش ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۰). در گام اول، واژگان کلیدی استخراج شده از جدول تحلیل کمی، مورد توجه قرار گرفت و پس از یکسان‌سازی و شمارش، این نتیجه حاصل گردید که پربسامدترین واژه در این خطبه «تکبر» است. علاوه بر آن با توجه به اطلاعات آماری حاصل از جدول، روشن گردید؛ از پرکاربردترین موضوعات اصلی که حضرت علی (ع) به

آن پرداخته، موضوع «شیطان‌شناسی» است به همین دلیل در بخش تحلیل کیفی تلاش گردیده است تا مقوله شیطان‌شناسی تبیین شود.



نمودار ۱. فراوانی موضوعات اصلی در خطبه قاصعه

۵. تحلیل محتوای کیفی مقوله «شیطان‌شناسی» در خطبه قاصعه امام علی (ع)

منظور از تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن، از طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی شده، به صورت سیستماتیک است که برای بررسی لایه‌های عمیق‌تر از متن، اتخاذ شده و منجر به نظریه‌پردازی می‌شود. از آنجاکه هرگونه استنباط از موضوعات یک متن منوط به گزارش‌های تحلیل کمی است، لذا با توجه به نتایج حاصل از آن، مسیر ورود به سمت تحلیل کیفی فراهم می‌شود. حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه با توجه به اهمیت معرفی مصادیق برای تبیین بهتر موضوعات مهم، در موارد مختلف تلاش کرده است تا شیطان و راه‌های نفوذ آن را معرفی نموده و همگان را از خطر نفوذ آن بیم دهد؛ مجموع آنچه امام علی (ع) در این خطبه پیرامون شیطان بیان کرده‌اند، در ادامه مقاله به صورت دسته‌بندی شده و در قالب یک الگوی منظم آمده است. لازم به ذکر است که تمامی مطالب این مقاله مستند به کلمات حضرت علی (ع) و مضامین برداشت شده از محتوای خطبه قاصعه بوده که استنادات آن به صورت حروف انگلیسی کدگذاری شده ذکر شده است.

۱.۵ کاربست واژه‌های «شیطان» و «ابلیس» در خطبه قاصعه

شیطان، از نظر لغوی، از ریشه‌ی «شطن» به معنی دور بودن (ابن فارس، ۱۴۱۰: ج ۳/۱۸۳)؛ دور بودن از حق (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۲/۹۱۷)؛ یا از «شاط» به معنی سوزاننده در آتش (ابن‌درید، ۱۴۰۷: ج ۲/۲۹۰) و «ابلیس» بر وزن افعیل، از ریشه بکس به معنی ناامید از رحمت خداوند (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۴۸۲/۱) است و در اصطلاح هر موجود سرکش از انس و جن را شیطان می‌گویند (جوهری، ۱۴۰۴: ج ۵/۲۱۴۴؛ ابن فارس، ۱۴۱۰: ج ۳/۱۸۴). با بررسی این دو واژه در خطبه مشخص گردید؛ هرگاه حضرت به دنبال شناساندن ابلیس است؛ مراد همان موجودی است که از سجده کردن بر آدم (ع) تمرد نمود (R۶، R۵، R۴) و با خودبزرگ بینی و تعصب (R۷۴)، موجب حبط اعمال خود گردیده (R۹) و از رحمت الهی مأیوس و از بهشت رانده گشت (R۱۰) و با بنای این بدعت پیشوای متکبران و متعصبان گردید (R۴۱، R۲۴، R۱۸) و سوگند به گمراهی بنی آدم خورد (R۱۲) و برای نیل به اهدافش دام گمراهی را گستراند (R۴۳) و هرگاه امام از واژه شیطان استفاده کرده؛ تمام شاگردان و جنود جنی و انسی او که اوامر او را اجابت کرده‌اند (R۱۷) و در همه جا با ایجاد وسوسه و القائات باطل موجب گمراهی امت‌ها گردیدند (R۷۱، R۲۱، R۱۹) اطلاق شده که کتب لغت نیز مؤید آن است.

در این خطبه امام علی (ع) در موارد متعددی واژه‌های ابلیس و شیطان و ضمائر آن را به‌کار برده است، که با استفاده از اطلاعات آماری مشخص گردید؛ فراوانی واژه‌ی ابلیس با توجه به ضمائر آن، از بسامد قابل توجهی نسبت به واژه‌ی شیطان و ضمائر آن برخوردار است. واژه‌ی ابلیس ۷ بار و ضمائر آن ۶۲ بار؛ واژه‌ی شیطان ۵ بار و ضمائر آن ۱۴ بار به کار رفته است. فراوانی واژه‌ی ابلیس نشان می‌دهد حضرت در مقام معرفی مصداق عینی بوده است؛ تا نمونه‌ی بارزی برای عبرت‌آموزی انسان باشد.

هم‌چنین اشاره به ابلیس در قالب ضمیر (در بالاترین بسامد) حکایت از آن دارد که:

- حضرت برای نشان دادن «انزجار و نفرت» خود، اصولاً از آوردن اسم ظاهر خودداری کرده است.

- ایشان با آوردن ضمیر به‌طور غیرمستقیم، ویژگی «مخفی و پنهان بودن» شیطان را گوش‌زد نموده؛ [ضمیر، چیزی که در درون و قلب فرد پنهان است: «الشیء الذی تُضمِرُه فی ضمیر قلبک» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷/۴۱)].

- در مواردی حضرت، برای «تحقیر» شیطان، از ضمیر غایب استفاده کرده؛ حال آن‌که شیطان حضور دارد و نیازمند ضمیر مخاطب است (A۲۲).

قابل توجه است که تمرد شیطان از فرمان الهی از روی اختیار بوده است؛ زیرا موجودی حسی و دارای تعقل بوده؛ که در این خطبه شواهدی بر آن وجود دارد:

- عبارت «إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ...» (A۳۶) شاهد است بر اینکه ابلیس موجودی عینی است که خدا را روزگاری بس طولانی عبادت کرده و سپس مرتد شده است (مغنیه، ۱۳۹۹: ج ۳/ ۱۱۱-۱۱۲).

- دلیل دیگر بر عینی بودن ابلیس، تجلی امری غیر حسی در قالب حسی برای بشر است که هنگام وحی، حضرت علی (ع) توانایی شنیدن ناله شیطان را داشته است (A۲۷۴).

لازم به ذکر است که قرآن کریم نیز مؤید این مطلب است چراکه می‌فرماید: قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا أَنْ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ... (الاعراف: ۱۲).

۲.۵ القاب شیطان در خطبه قاصعه

در این خطبه، حضرت علی (ع) شیطان را با عبارات ذیل معرفی می‌نمایند:

۱.۲.۵ پیشوای متعصبان، متکبران و مؤسس عصبیت

امام علی (ع)، ابلیس را پیشوای متعصبان و مستکبران معرفی کرده و می‌فرماید: او کسی است که شالوده‌ی برتری نژادی را نهاد و با خدا در جامه‌ی کبریا، ستیز کرد و هم‌چون زره، لباس شکست‌ناپذیری را برتن چسباند و لباس فروتنی را به دور افکند (R۵). در این عبارات، شیطان به عنوان پایه‌گذار عصبیت و اولین موجودی که خصلت تعصب را بنا نهاده و همه‌ی متعصبان، او را پیشوای خود قرار داده‌اند، معرفی شده است.

۲.۲.۵ مایه عبرت آموزی

امام علی (ع) مخاطبان خود را به عبرت‌آموزی از سرنوشت ابلیس فرامی‌خواند چراکه وی مدتی طولانی خدا را پرستش نمود اما با تکبر در برابر خداوند، از درگاه او رانده و

عبادت‌هایش تباه گردید. در این توصیه‌ها آن‌قدر موضوع شیطان اهمیت دارد که حضرت(ع) به جان خویش سوگند یاد می‌کند(A۴۴). به نظر می‌رسد حضرت علی(ع) به این دلیل شیطان را نمونه‌ی عبرت‌آموزی بیان کرده‌اند که در کثرت عبادت بر انسان پیشی گرفته و کمیت عبادت او قابل اندازه‌گیری نیست و راه بهانه‌تراشی برای انسان را جهت مغرور شدن به کثرت و میزان عبادات خود، مسدود می‌نماید(A۳۵).

امام(ع) در جایی دیگر از کلام خود می‌فرماید: «قانون خدا برای همگان یکسان است و به هیچ‌کس اجازه‌ی نافرمانی نمی‌دهد. هرکس با خدا به ستیز برخیزد، بر زمین می‌خورد؛ چنان‌که ابلیس با عبادت دیرینه، رانده و به خشم الهی گرفتار شد»(R۹). نکته‌ای که از این عبارات برداشت می‌شود این است که انسان‌ها می‌بایست توجه داشته باشند که با تکبرورزیدن و تعصب داشتن بر امور باطل، به شیطان اقتدا نکنند؛ زیرا اولین کسی که عصبیت را ایجاد کرد، شیطان بود(A۱۵) و بر انسان مسلمان لازم است در مسیر عبادت و رشد و تکامل خود از رؤسای کبر و ناپاکان پرهیز نماید(A۱۰۵، A۱۰۷) زیرا آن‌ها خود فرماندهان جنود شیطان هستند؛ پس مرزی برای شناخت انسان جز رفتار او باقی نمی‌ماند(A۴۷). در نتیجه یکی از لوازم سودمند در زندگی و شناخت حق و باطل، عبرت‌آموزی از پیشینیان به‌ویژه ابلیس است.

۳.۲.۵ دشمن خدا و انسان

از عناوین دیگری که شیطان در این خطبه به آن معرفی شده، دشمنی با خدا و انسان (R۵، R۱۱، R۱۲، R۱۴) است. حضرت علی(ع) در این خطبه سعی داشته تا هرچه بیش‌تر موضوع دشمنی شیطان را پررنگ نماید و همگان را از نزدیکی به او برحذر دارند(A۴۴، A۶۲). کشمکش شیطان با خداوند در خطبه قاصعه با کلمه‌ی «نزاع» بیان شده است که به معنای کینه شدن شدید(ابن فارس، ۱۴۱۰: ج ۵/۴۱۵) و تغییر جایگاه شیء و پیوستن به خصومت(ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۴/۱۰۶-۱۰۷) و تلاش برای جدا کردن دشمن از رأی و نظرش است(مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱۲/۷۸). حاصل سخن آنکه نزاع به معنی کندن شیء از جای خودش است و اگر به باب مفاعله رود، به معنی منازعه، به معنای جدال و دشمنی است. از جمله دلایل دشمنی شیطان با خدا، تکبر و تعصب و به دنبال آن نزاع با پروردگار برسر کبریایی بوده چراکه شیطان گمان می‌کرده این تلاش، او را صاحب

عزت می‌کند و از ذلت، دور می‌نماید (A۱۹، A۲۰) حال آنکه، موجب دوری او از رحمت خدا گردید (A۱۸).

یکی دیگر از معیارهای شناخت میزان دشمنی شیطان، توجه به درجه طغیان و سرکشی اوست. هرچقدر میزان طغیان دشمن بیشتر باشد، در دشمنی با خدا، صراحت بیشتری دارد و برای بروز این عداوت، دست به هر کاری می‌زند؛ تا جایی که افراد با ایمان را به خاطر دشمنی با خدا از میان برمی‌دارد (A۸۱). شیطان نیز با عدم سجده بر آدم (ع)، دشمنی خود با خدا را به صورت فخر فروشی نشان داد و اصل خلقت آدم را زیر سوال برد (A۱۲).

حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه نحوه بروز این دشمنی را به زیبایی ترسیم نموده است. ایشان در بیان دشمنی با خدا از کلمه‌ی «مصارحه» به معنای رویارویی همراه با دشمنی و مبارزه طلبی (ابن منظور، ۱۴۰۸: ج ۷/ ۳۱۷-۳۴۸) و در محاربه با مؤمنان از کلمه‌ی «مبارزه» [مِن الْقَرْنِینِ فِی الْحَرْبِ] (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷/ ۳۶۴) استفاده کرده که نشانه‌ی ظهور این دشمنی در میدان جنگ است. یعنی فرد به مرحله‌ای از سرکشی می‌رسد که دیگر نمی‌تواند ظاهر سازی کند؛ بلکه آنچه در دل داشته را آشکار می‌کند (A۸۲) که نمونه بارز آن دشمنی خاندان ابی سفیان با پیامبر اکرم (ص) است که در روز عاشورا ظهور پیدا نمود.

شیطان در بروز دشمنی با ایجاد شکاف در دین به تفرقه افکنی می‌پردازد؛ که از مصادیق آن تشکیل فرق گوناگون و باطل است و با این کار دین واحد را تبدیل به دین سلیقه‌ای می‌نماید و آدمی را از هدف اصلی دین، که تسهیل دستیابی به کمال است، دور می‌نماید (A۵۴) و به دنبال آن به فساد و آتش افروزی می‌پردازد. جهل و تکبر، آن قدر بنده شیطان را درگیر می‌کند که، مانند او آتش افروز جنگ می‌شود. حضرت علی (ع) با آوردن عبارت «مناصب» [مناصب یعنی ایجاد کننده جنگ (جوهری، ۱۴۰۴: ج ۱/ ۲۲۴)] ویژگی شیطان و پیروان وی در جنگ افروزی را به خوبی نشان می‌دهند (A۵۶).

باید توجه نمود خسارت شیطان لعین در دین و دنیای انسان، بیش تر از سوی کسانی است که در ظاهر با آدمی در جنگ هستند. پس شیطان درونی فسادش از شیطان بیرونی فراوان تر است که این مطلب یکی از دلایل توجه ویژه‌ی حضرت (ع) به شناساندن شیطان به مخاطبان است (A۵۶).

۳.۵ نمایندگان و تصدیق‌کنندگان شیطان در خطبه قاصعه

امام علی(ع) در خطبه قاصعه به برخی از نمایندگان شیطان از جمله بزرگان گردنکش و ناپاکان مفسد، ادعیاء، متکبران و جاهلان اشاره نموده و مصادیقی برای آنها بیان می‌نماید که به شرح ذیل می‌باشد:

۱.۳.۵ بزرگان گردنکش و ناپاکان مفسد

امام علی(ع) تمام شرارت‌ها را زیر سر بزرگان گردنکش و ناپاکان مفسد دانسته و همگان را از اطاعت آنها برحذر می‌دارد. «فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كُبْرَائِكُمْ» (R۲۲). افرادی هم‌چون گروه قاسطین (معاویه و یارانش) که از حق عدول نمودند و با خود برترینی بر دیگران ظلم نموده و به فساد و خونریزی دست زدند، نمونه‌ای از این گروه هستند که حضرت با آنها مبارزه کردند.

۲.۳.۵ ادعیاء

گروه دیگر از تصدیق‌کنندگان شیطان که امام(ع) از اطاعت کردن آنها نهی کرده‌اند، گروه «ادعیاء» هستند که از منظر شارحان نهج البلاغه همان منافقان (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ج ۱۳/ ۱۵۰)، ناکسان و شیطان‌های انسان‌نما (خوئی، ۱۳۵۸: ج ۱۱/ ۳۱۳) هستند: «وَلَا تُطِيعُوا الْأَدْعِيَاءَ» (R۲۴). امام(ع)، ادعیاء را شالوده‌ی تبهکاری‌ها و مرکب‌های گمراهی و لشکریان و سخن‌گویان ابلیس می‌دانند که شیطان با کمک این گروه، بر مردم یورش آورده تا عقلشان را بگیرد و در دام شهوت اندازد و چشم‌های آنان را کور کند و در گوششان بدمد تا دیگر حق را نبینند و نشنوند و سرباز گوش به فرمان شیطان باشند، و هدف تیره‌های زهرآلود او گردند و از خود هیچ اراده‌ای نداشته باشند (R۲۴). در این صورت کار شیطان راحت شده و طمعش نسبت به او محکم می‌گردد (A۵۰).

۳.۳.۵ متکبران

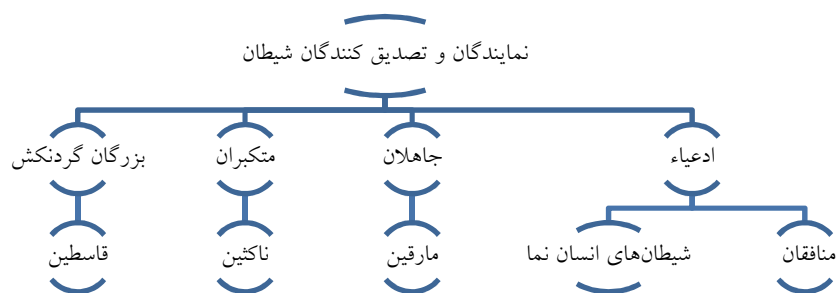
از جمله تصدیق‌کنندگان شیطان، گروه متکبران هستند که امام علی(ع) مصداق بارز این گروه را در زمان ایراد خطبه، گروه «ناکثان» معرفی می‌نماید که در رأس آنها طلحه و زبیر و عایشه هستند، که سالیان متمادی توفیق حضور در کنار پیامبر اکرم(ص) و شرکت در

غزوات را داشتند؛ اما با تکبر و عدم شناخت امام عصر خود، به فتنه‌گری پرداختند و با خروج از بیعت و حکومت امام علی (ع)، از رحمت الهی دور گردیدند. امام (ع) نیز با این گروه مبارزه کرده و در خطبه‌های متعدد، آنان را پیروان شیطان معرفی نموده‌اند (ر.ک: سیدرضی، ۱۴۱۷ق: ۴۴-۶۷).

۴.۳.۵ جاهلان

گروه دیگر از نمایندگان شیطان، «جاهلان» هستند که مصداق بارز آنان در عصر ایراد خطبه از منظر امام علی (ع)، «مارقان» هستند که از جمله یاران دیرینه‌ی امام و در عبادت شهره بوده و مانند شیطان سابقه عبادات طولانی داشتند. امام، پس از ماه‌ها شکیبایی و ایراد سخنرانی و اعزام شخصیت‌های مؤثر، از اصلاح آنان مأیوس شد و چون با قیام آنان مواجه گردید، با آنان به جنگ پرداخت و چشم فتنه را از کاسه درآورد و جز امام علی (ع)، کسی را یارای نبرد با این مقدس‌نماها نبود (سبحانی، ۱۳۷۹: ۶۸۷-۶۸۶). امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «مارقان (خوارج) را، زبون ساختم و شیطان رده‌ه را به نعره‌ای بسنده کردم» (R۶۵). لازم به ذکر است که شیطان رده‌ه، یکی از سران خوارج است که در جنگ نهروان بر اثر فریاد امام یا صاعقه‌ی آسمانی، نابود شد و او را در گودالی یافتند (بحرانی، ۱۳۸۵: ج ۴ / ۳۱۰-۳۱۱). به نظر می‌رسد اینکه امام (ع) از این شخص به عنوان شیطان یاد کرده، به خاطر فتنه‌گری، گمراه‌کنندگی و جهالت است که از خصیصه‌های خوارج می‌باشد (A۲۵۵).

در ذیل نمودار نمایندگان و تصدیق‌کنندگان شیطان بر اساس تحلیل محتوای خطبه قاصعه و مصادیق آنها بیان شده است:



شکل ۱. نمایندگان و مصداقان شیطان در خطبه قاصعه

۴.۵ گستره فعالیت شیطان

شیطان برای گمراهی انسان دارای تجهیزات متفاوتی است. سپاه شیطان شامل پیاده نظام و سواره نظام (R۱۵،A۴۳) و نیروهای نفوذی است که راه نفوذ را برای شیطان می‌گشایند (A۷۷). علاوه بر آن، شیطان در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها، آمادگی تهاجم به بشر را دارد (A۴۵).

در متن خطبه قاصعه برای مکان و زمان حمله و نفوذ شیطان در انسان از عبارت «كُلِّ» استفاده شده و آمده است: «يَقْتَنِصُونَكُمْ بِكُلِّ مَكَانٍ، وَيَضْرِبُونَ مِنْكُمْ كُلَّ بَنَانٍ»؛ در هر جایی به شکار شما دست می‌برند و بند بند انگشتانتان را می‌زنند. به نظر می‌رسد علت این عمومیت لفظ تأکید بر گستردگی فعالیت شیطان بوده است تا نشان دهد که دوری نکردن از شیطان، عامل مغلوب شدن در محاصره‌ای فراگیر و در نهایت شکست انسان می‌گردد (A۶۰). در این عبارت لغت «إِقْتِنَاصٌ» به معنای صید، در معنای استعاری نیز به کار رفته و مراد حضرت (ع) آن است که شیطان در همه‌ی مکان‌ها به رصد آدمیان نشسته تا عده‌ی کثیری را به ضلالت کشاند (بحرانی، ۱۳۸۵: ج ۱۰/ ۲۵۶؛ خوئی، ۱۳۵۸: ج ۱۱/ ۲۹۱).

حضرت علی (ع) در عبارتی دیگر به چگونگی تهاجم شیطان اشاره کرده و با عبارت: «فَلَعَمْرِي لَقَدْ فَوْقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ، وَأَغْرَقَ لَكُمْ بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ، وَرَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»؛ سوگند به جانم، شیطان تیر تهدید را به طرف شما راست کرده و آن را برای شما سخت کشیده و از فاصله نزدیک به شما تیراندازی نموده است، این مطلب را ترسیم کرده‌اند که شیطان در رها ساختن تیر گمراهی، با قدرت وارد عمل شده و برای مقابله با او نیز باید با تمام نیرو، وارد معرکه شد. عبارت «سَهْمَ الْوَعِيدِ» اضافه‌ی تشبیهی است و در آن هراس از وسوسه‌های شیطانی به تیر مانند شده که دو ویژگی دارد: در نهایت قدرت پرتاب گردیده «بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ» و از مکانی نزدیک افکنده شده است: «مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ». در عین حال تیری که از نزدیکی پرتاب شود نیز دو خصیصه دارد: خطای کمتر و قدرت فزون‌تر (R۱۱،R۱۲).

بر این اساس عبارات فوق، استعاره از وساوس و آرایشگری‌های شیطان است که در پیشگاه حق، بنی آدم را تهدید کرده و گفت: «رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزِينَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (الحجر: ۳۹). وجه استعاره این عبارات آن است که، ابلیس این وسوسه را

برای انسان جلوه می‌دهد و روح آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چنانکه تیر به روی کسی بیاندازد و او را به هلاکت برساند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ج ۱۳ / ۱۴۲). هم‌چنین در عبارت «اسْتَفْحَلَ سُلْطَانُهُ عَلَيْكُمْ، وَ دَلَفَ بِجُنُودِهِ نَحْوَكُمْ»؛ و او سلطه خود را بر شما مستولی ساخت و با لشکریانش با سرعت به سوی شما تاختن آورد (R۱۳)، معنای استعاری لفظ «استفحال» اشاره به قدرت شیطان در اغواء و تسلط بر نفوس آدمیان دارد چراکه جنود ابلیس، همان اهل فساد در روی زمین هستند (بحرانی، ۱۳۹۱: ج ۲ / ۴۳۶). عبارت «دَلَفَ بِجُنُودِهِ» نیز تعبیر استعاری است و نشان می‌دهد که تلاش شیطان برای فریب انسان‌ها بسان سپاهی است که قصد هلاکت آدمیان را دارد (همان: ۱۴۲-۳۷۹؛ بحرانی، ۱۳۸۵: ج ۱۰ / ۱۹۵). این عبارات به وضوح نشان می‌دهند که تمام هدف و تلاش شیطان، ابتلای بندگان به بیماری خودش یعنی کبر و تعصب است تا باعث قرار گرفتن آن‌ها در زمره‌ی دشمنان خدا گردد (A۳۵).

۵.۵ عوامل انزجار شیطان

خواستهای شیطان، گمراهی بندگان و بنده‌پروری برای خودش است و لذا هر عاملی که مانع عبادت افراد از او شود و آمار بندگان او را بکاهد؛ موجب ناامیدی و انزجار شیطان می‌شود (P۱). حضرت علی (ع) در این خطبه برخی از این عوامل را ذکر می‌نماید:

۱.۵.۵ نزول وحی بر پیامبر اکرم (ص)

در پی دریافت «وحی» توسط پیامبر اکرم (ص)، شیطان ناامید شد و ناله سرداد (RV۰). به دنبال دریافت وحی توسط پیامبران و ابلاغ آن به مردم و در پی آن، پیروی از پیامبران و تصدیق کتاب‌های آن‌ها، تسلیم شدن در برابر آنها و دستوراتشان، بدون چون و چرا و برای خداوند، فرد به ایمانی کامل و مورد رضای خداوند دست می‌یابد (A۱۵۷). انسان با دریافت برنامه‌ی مستمر و مفید برای پیمودن راه کمال با در دست داشتن یک الگوی کامل، می‌تواند با پیروی از دستورات وحی که مهم‌ترین آن دوری از شیطان است؛ به مسیر خود ادامه داده و در سایه‌ی ایمان به مقصود برسد. به همین دلیل وحی یکی از مهم‌ترین عوامل انزجار شیطان است.

۲.۵.۵ بندگی خداوند

کسی که خداوند را به عنوان معبود و رب خود برمی‌گزیند و خالصانه بندگی خداوند را به‌جا می‌آورد؛ هرگز بندگی غیر را نخواهد کرد؛ زیرا که در یک اقلیم دو پادشاه ننگجد و لازمه‌ی بندگی خدا پرهیز از بندگی غیر اوست. خداوند خود، نگهبانی از بندگان مؤمن را ضمانت کرده و کسی که خداوند نگهبان او است هرگز شیطان را یارای مقابله با او نیست و راه‌های نفوذ به روی او بسته است (۱۸۱). شیطان که همواره به دنبال بنده پروری برای خودش است، بندگان خالص خدا او را ناامید کرده، در نتیجه بندگی خدا عامل انزجارش است.

۳.۵.۵ ایمان به خدا و رسول (ص)

در پرتو ایمان به پیامبر اکرم (ص) و تصدیق نبوت او و اطاعت از دستورات او انسان به کمال دست می‌یابد؛ حال آنکه، حضور در کنار پیامبر (ص) بدون ایمان به نبوت و عمل به دستوراتش، جز خسران چیزی دربر ندارد. (۲۸۹) که قرآن کریم نیز این مطلب را تأیید فرموده است (ر.ک: اسراء: ۸۲). این مطلب نشان می‌دهد که ایمان کامل، ایمان به یگانگی خداوند و نبوت پیامبر (ص) و عمل به دستورات او و اعتقاد به معاد است و عدم توجه به یکی از آن‌ها مانع پرواز و رسیدن به رستگاری است. فردی که ایمان راستین به خدا و رسول دارد، از هیچ چیز و هیچ کس نمی‌هراسد و ملامت ملامت‌گری، موجب هراسش نمی‌شود؛ و تمام تلاش خود را برای رضای الهی و عمل به دستورات خدا انجام می‌دهد و هیچ چیزی مانع انجام تکلیف نمی‌شود؛ که این از ویژگی‌های انسان کامل و مؤمنی چون امام علی (ع) است (۲۹۲) تا جایی که هنگام ضربت خوردن در مسجد، توسط ابن ملجم فرمود: «فَرْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ».

۶.۵ راه‌های نفوذ شیطان در آدمی

شیطان برای نفوذ در آدمی و چشاندن زهر گمراهی به بنی‌آدم و بیمار نمودن او، شیوه‌های متفاوتی از جمله ابتلاء به کبر، ابتلاء به تعصب، ابتلاء به جهل، القای وسوسه، زینت دادن دنیا و غفلت از نعمت‌های الهی را بکار می‌بندد که در ادامه توضیح آنها بیان شده است:

۱.۶.۵ ابتلاء به کبر

از راه‌های نفوذ شیطان، آلوده کردن فرد به کبر است؛ که بسیاری از گناهان، از جمله ظلم و سرکشی (A۸۵)، نفاق و تفرقه‌افکنی (A۱۷۷) در پرتو آن صورت می‌گیرد و با بررسی جدول کمی می‌توان دریافت که از بالاترین بسامد در خطبه قاصعه برخوردار است. وقتی آدمی به تکبر و غرور آلوده گشت و به شیطان اقتدا نمود، خود را برتر از دیگران می‌داند؛ در نتیجه راه نفوذ شیطان را به روی خود می‌گشاید. در چنین شرایطی، شیطان با هجوم همه جانبه و مستمر خود، کم‌کم او را به اسارت درآورده؛ تا جایی که او را بنده‌ی خود می‌سازد و با تسلط بر او، تمام گفتار و کردار او، مطابق خواسته اش می‌شود (R۲۴).

ابتلاء به کبر، شاه کلید نفوذ شیطان و زمینه‌ساز گناهان فراوان است. حضرت علی (ع)، کبر را به زهر کشنده‌ای تشبیه کرده؛ که ذره‌ذره در فرد نفوذ می‌کند؛ تا او را به ورطه‌ی نابودی، که خواسته‌ی ابلیس است، بکشاند (A۱۷۸). بنابراین به حق می‌توان آن را «ام الکبائر» دانست. همانگونه که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْكِبْرَ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ وَالْأُمَّ الْعُيُوبِ وَهُوَ حَلِيَّةُ إِبْلِيسَ»؛ بر تو باد دوری از کبر، زیرا آن از بزرگ‌ترین گناهان و مادر عیب‌هاست و آن لباس ابلیس است (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۲ / ۲۹).

۲.۶.۵ ابتلاء به تعصب

از دیگر راه‌های نفوذ شیطان در انسان، ابتلاء به تعصب است؛ در این صورت، فرد با دلیلی غیرمنطقی، بر موردی پافشاری می‌کند. در نتیجه جهل زمینه ساز تعصب می‌گردد. حضرت علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَظَرْتُ فَمَا وَجَدْتُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ يَتَعَصَّبُ لِشَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ إِلَّا عَنْ عِلَّةٍ تَحْتَمِلُ تَمْوِيهَ الْجُهْلَاءِ، أَوْ حُجَّةَ تَلِيظُ بَعْقُولِ السُّفَهَاءِ غَيْرِكُمْ. فَإِنَّكُمْ تَتَعَصَّبُونَ لِأَمْرٍ مَا يَعْرِفُ لَهُ سَبَبٌ وَلَا عِلَّةٌ»؛ من (در سرگذشت انسان‌ها) نگریستم و کسی را از عالمیان ندیدم که به چیزی تعصب بورزد مگر اینکه مستند به علتی باشد که می‌تواند نادان‌ها را به اشتباه بیندازد، با مستند به یک دلیل (ظاهری) باشد که عقول مردم احمق را به بازی بگیرد مگر شما، زیرا شما به امری تعصب می‌ورزید که برای آن هیچ سبب و علتی دیده نمی‌شود (R۴۶).

برای تزریق تعصب باطل در جامعه، فرد با استفاده از راهکار نفوذ در اندیشه‌ی سفیهان (A۱۹۰) و مشتبه سازی حقیقت بر جاهلان (A۱۸۹) به وارونه جلوه دادن باطل پرداخته و

افراد بر اساس جهل خود، آن را پذیرفته و بر آن تعصب می‌ورزند. اگر تعصب به دلیل آن باشد، که باطلی را حق جلوه دهد، در آن صورت پسندیده نیست و فرد را از قرار گرفتن در مسیر حق، باز می‌دارد مانند تعصب بر مال و اولاد، ثروت، موقعیت اجتماعی و... که عامل ایجاد تفرقه، جنگ، غارت، فساد و خونریزی در جامعه می‌گردند (Q۱۳:R۴۶).

۳.۶.۵ ابتلاء به جهل

جهل به عنوان یک بیماری روحی و اخلاقی تلقی شده است که دید افراد را نسبت به حقایق وارونه می‌کند و آن‌ها را مبتلا به خودبینی و تکبر می‌سازد. حضرت علی (ع) این مطلب را با عبارت «فُرْسَانُ الْكِبَرِ وَالْجَاهِلِيَّةِ» بیان کرده‌اند که نشان می‌دهد، جهل قدرت فراوانی در گمراهی انسان دارد (A۴۹). جهل راه نفوذ شیطان را گشوده و در نهایت انسان را به ورطه‌ی نابودی و هلاکت می‌اندازد (A۸۳)، در نتیجه از عواملی است که شیطان، می‌تواند انگیزه‌ی خود را در اغوای آدمی به سرانجام برساند (A۷۲).

برای نابودی دنیا و دین یک شخص، اولین گام خرد کردن روحیه و قلب اوست تا بنده خداوند را به دوزخ بکشاند (R۲۴). هرگاه شیطان، از طریق لشگرش صولت خود را جلوه‌گر نمود و به وسیله‌ی سخنگویانش به زبان آمد، در این موقعیت، با سخنان دروغ، افعال و عادات باطل و گمراه کننده، که جاذب محبت دنیاست، به سرقت عقول می‌پردازد. (بحرانی، ۱۳۸۵: ج ۴ / ۲۶۴) در نتیجه انسان بر اثر دوری از علم و آگاهی، از هدف اصلی دور شده (A۳۲) و گمراه می‌شود. شیطان نیز، از جهالت او استفاده کرده و برگمراهی او می‌افزاید. او نیز در مسیر مورد نظر شیطان، قرار گرفته و چون از خود، هیچ آگاهی ندارد؛ تمام اوامر او را، اجرا کرده و به عبارتی تحت رهبری او قرار می‌گیرد (A۸۷).

۴.۶.۵ القائات و وساوس شیطانی

از دیگر راهکارهای شیطان برای نابودی انسان، القای وسوسه است. هنگامی که القائات شیطانی در روح متکبر دمیده می‌شود، پندار اولویت بر دیگران، در جان او تقویت می‌شود. لفظ «نَفَخَ» در جمله «وَ نَفَخَ الشَّيْطَانُ فِيْ اَنْفِهِ»، کنایه از القا وسوسه و حسادت است (R۱۹). شیطان با ایجاد وسوسه، فرد را در معرض سه خطر کشنده‌ی بغی، ظلم و کبر قرار می‌دهد. حضرت (ع) همگان را از این وساوس بر حذر داشته‌اند؛ «اللَّهُ اللّٰهُ فِي عَاجِلِ الْبَغْيِ، وَ اَجَلِ

وَحَامَةَ الظُّلْمِ، وَ سُوءِ عَاقِبَةِ الْكِبَرِ؛ بر حذر باشید از خدا، بترسید از خدا، درباره نتایج دنیوی ظلم و وخامت اخروی آن و بدی عاقبت کبر (R۴۳). «بغی» به معنای زیاده خواهی و تجاوز آمده (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴/۴۵۳)، وقتی که انسان به حق خود قانع نباشد و حقوق دیگران را پایمال کند و به مردم ستم روا دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵-۵۶).

آنچه با سیاق خطبه سازگارتر است این است که مراد از «بغی» در این عبارت، انحراف از حق و تجاوز از حد یا سعی در فساد باشد؛ یا خارج شدن از فرمانبری امام علی (ع) است (خوئی، ۱۳۵۸: ج ۱۱/۳۵۸). به نظر می‌رسد، مراد امام، آلودگی به فساد و پایمال کردن حقوق یکدیگر باشد؛ زیرا درجایی دیگر امام به آن دسته که از فرمان آن حضرت، سرپیچی نموده با عبارت «باغی» اشاره می‌نمایند (A۱۷۷). همانطور که از عبارات برمی‌آید؛ کیفر بغی، سریع بوده و همین دنیا دامن‌گیر فرد می‌شود؛ در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که: «بغی از گناهانی است که کیفرش در همین دنیا دامن‌آلوده به آن را می‌گیرد» (طوسی، ۱۴۱۴: ۱۰۷). آنگاه که فرد دچار خودبزرگی بینی شد، سرکشی و طغیان کرده و به خود اجازه‌ی ستم به دیگران را می‌دهد و فساد می‌کند که عواقب ناخوشایندی از جمله دورماندن از رحمت الهی، عدم دستیابی به تعالی و عفو الهی و... را به دنبال دارد.

۵.۶.۵ زیبا جلوه دادن دنیا

رویه‌ی دیگر شیطان، برای دوری انسان از کمال، زیبا جلوه دادن دنیا است که این مطلب به صراحت در قرآن کریم نیز بیان شده است (ر.ک: ص: ۸۲؛ الاعراف: ۱۶؛ الحجر: ۳۹) و از آنجا که مقوله‌ی زیبایی‌های دنیا با آخرت، متفاوت است؛ شیطان با جلوه‌گری دنیا، انسان را به خود مشغول می‌دارد و از رسیدن به زیبایی اصیل، باز می‌دارد (Q۷، R۱۲). شیطان به گونه‌ای عمل می‌کند که اعمال زشت را چنان زینت می‌دهد که از جذابیتی خاص برخوردار می‌گردد. در نتیجه، زیان و عواقب دردناک آن نادیده گرفته می‌شود؛ اما پس از عمل ناشایست است که انسان با کوله باری از ندامت روبه رو است. پس شایسته است آدمی با تفکر در هر عمل، بیاندیشد و عواقب آن را مد نظر داشته باشد. از آنجایی که خداوند او را صاحب فطرت پاک نموده می‌تواند با هدایت الهی و اطاعت از فرامین خدا و پیامبر (ص) و اولیاء او و به مدد نیروی تعقل مسیر خیر را از شر تمیز دهد و از ظلمت گناه و دام شیطان رهایی یابد.

۶.۶.۵ غافل نمودن از نعمات الهی

از مهم‌ترین برنامه‌های شیطان در مسیر دشمنی با انسان، ایجاد نسیان است. با نفوذ در آدمی و سیطره بر او، وجود انسان جولانگاه شیطان می‌گردد و فرد از مسیر الهی دور گردیده و از یاد خدا غافل می‌شود. شیطان با غافل نمودن انسان از مرگ و آخرت، روز حساب را از یاد او می‌برد. حضرت (ع) می‌فرمایند: «فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَرِيقِينَ، وَ فِي خُضْرَةِ عَيْشِهَا فَكْهِينٌ...»؛ در نتیجه، چنان در طغیان شهوت فرو می‌رود که به هر عمل زشتی متمایل می‌شود و این فراموشی‌ها علاج نمی‌یابد، مگر با خلوص و تقوا (R۵۷)؛ زیرا در این صورت وجود بشر خدایی می‌گردد و شیطان راهی برای نفوذ بر او ندارد: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَكُونُوا لِنِعْمِهِ عَلَيْكُمْ أُضْدَادًا...» (A۹۹).

از دیگر برنامه‌های شیطان؛ غافل نمودن آدمی از نعمات الهی است. شیطان با غافل کردن مردم از آثار وحدت، عبرت‌آموزی از گذشتگان و بسیاری نعمت‌های دیگر، انسان را در بی‌خبری قرار داده و با ایجاد جهل در میان آنان به اهداف خود در ممانعت از دستیابی انسان به کمال دست می‌یابد و در این میان مهم‌ترین نعمت میان مسلمانان بعد از نبوت، نعمت ولایت است که قرآن نیز به آن اشاره نموده است (ر.ک: المائدة: ۳) که می‌تواند الگوی کامل تا روز قیامت باشد و غفلت از آن، انسان را از مسیر سعادت باز داشته و در گرداب جهالت فرو می‌برد که نتیجه آن جز هلاکت بشر نیست و اهمیت این موارد را در توصیه‌های مکرر امام به عبرت‌آموزی در جای جای خطبه می‌توان فهمید: «فَاعْتَبِرُوا بِ...» (R۹، R۲۵، R۵۱، R۵۵...).

۷.۵ سرانجام نفوذ شیطان در انسان

وقتی آدمی به تکبر آلوده گشت، با خود برترینی راه نفوذ شیطان را به روی خود گشوده است و عواقب شومی در انتظارش خواهد بود که حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه برخی از آنها را بیان فرموده‌اند، از جمله:

۱.۷.۵ اسارت

شیطان با هجوم خود، آدمی را به اسارت درآورده و او را بنده‌ی خود می‌سازد و با تسلط بر او، قدرت تعقل و تصمیم‌گیری را از او گرفته تا تمام گفتار و کردار او، مطابق خواست شیطان گردد. شیطان او را به عنوان نماینده و سخنگوی خود پرورش داده هم‌چنان که در عبارت ذیل آمده است: «وَتَرَا جِمَّةً يَنْطِقُ عَلَى السِّنْتِهِمْ، اسْتِرَاقًا لِعُقُولِكُمْ وَ دُخُولًا فِي عُيُونِكُمْ، وَ نَفْثًا فِي أَسْمَاعِكُمْ»؛ و ترجمان‌هایی که با زبان‌های آنان سخن می‌گوید، تا عقول شما را برابند (یا برده خود سازند) و برای داخل شدن در چشمان شما تا چیزی را نبینید و دمیدن در گوش‌های شما تا چیزی را نشنوید (R۲۴). عبارت «وَتَرَا جِمَّةً يَنْطِقُ عَلَى السِّنْتِهِمْ» استعاره است؛ به این جهت که سخنشان نتیجه‌ای است که شیطان از وسوسه‌ی مردم می‌خواهد بگیرد؛ پس اینان همان سخنگو برای شیطان‌اند (بحرانی، ۱۳۸۵: ج ۴/ ۲۴۶).

۲.۷.۵ گرفتار و وسوسه‌ شیطانی شدن

حضرت (ع) می‌فرماید: «فَجَعَلَكُمْ مَرْمَى نَيْلِهِ، وَ مَوْطِئَ قَدَمِهِ، وَ مَأْخَذَ يَدِهِ...»؛ پس شما را نشانه‌ی تیر خود کرد، و زیر پایتان بسپرد و به چنگ خود درآورد (R۲۴). در این عبارت مَوْطِئَ قَدَمِهِ، به معنای لگد گاه است و استعاره از خواری گناه است، کلمه‌ی مأخذ استعاره از حالت گرفتاری آدمی، در ریسمان و ساوس شیطانی است و چون معمولاً گرفتن‌ها به وسیله دست انجام می‌شود، لذا کلمه‌ی ید را برای ترشیح آن آورده‌اند (بحرانی، ۱۳۸۵: ج ۴/ ۳۷۹).

۳.۷.۵ نابودی

شیطان در نابودی آدمی تا جایی پیش می‌رود که حتی راضی به زخمی شدن فرد نیست و از هر قدرتی برای از بین بردن او استفاده می‌کند. هلاکتی وحشتناک مانند مثله کردن، به نحوی که در عبارات ذیل بدان اشاره شده است: «وَأَوْطَوْوْكُمْ إِثْخَانَ الْجِرَاحَةِ، طَعْنًا فِي عُيُونِكُمْ، وَ حَزًّا فِي حُلُوقِكُمْ، وَ دَقًّا لِمَنَاخِرِكُمْ، وَ قَصْدًا لِمَقَاتِلِكُمْ، وَ سَوْفًا بِخَزَائِمِ الْقَهْرِ إِلَى النَّارِ الْمُعَدَّةِ لَكُمْ»؛ با نیزه‌ها که در چشم‌هایتان فرو کردند، با جراحتهای شدید که بر شما وارد نمودند و بریدن گلوها و در هم کوفتن سوراخ‌های بینی شما و کشاندن شما به کشتارگاه‌های شما و با راندن شما با مهارهای وصل شده به بینی‌هایتان به سوی آتشی که برای شما آماده شده است (R۱۳) حضرت علی (ع) آن را به تصویر کشیده، از جمله: له‌کردن

مراحل نفوذ شیطان و راه کارهای مقابله با آن ... (فتحه فتاحی زاده و دیگران) ۲۵

زخمی‌ها، تیر به چشم‌ها انداختن، نیزه در گلو بردن، خرد کردن بینی (A۵۳). چنین هلاکتی ویژگی‌های ذیل را به همراه دارد:

- موجب کوری و بی بصیرتی می‌شود.
- راه نفس و اختیار سخن گفتن را سلب می‌کند؛ تا در مسیر اوامر شیطان قرار می‌گیرد.
- حق حیات طیبه را از او سلب کرده؛ قبل از آنکه با تیری از دشمن ظاهری هلاک شود. (A۵۳)

۴.۷.۵ حبط عمل

شیطان گوهر وجودی انسان که خداوند در روح او دمیده است، پست شمرد؛ زیرا خود را برتر می‌دید. (A۳۸، A۳۶، A۵۹) او قصد انکار خدایی خداوند را نداشت؛ ولی با بزرگ‌بینی از امر الهی، نافرمانی کرد و این عامل حبط عبادات چندین ساله‌ی او، و بیرون راندنش از بهشت گردید که آیات قرآن نیز مؤید آن است (ر.ک: الاعراف: ۱۸ و ۱۴۷؛ ص: ۸۵، ابراهیم: ۱۸؛ محمد(ص): ۱ و ۸ و ۹ و ۲۲، آل عمران: ۲۱ و ۲۲؛ کهف: ۱۰۵؛ التوبه: ۱۷، المائده: ۵، تغابن: ۹). حضرت علی(ع) عواملی را که زمینه ساز حبط اعمال انسان است، ذکر می‌نمایند که عبارت است از: کفر و شرک، نفاق، منت و آزار دیگران و عدم اطاعت از خدا و رسول(ص). از منظر ایشان عمل بدون ایمان موجب سعادت انسان نمی‌شود و کفر موجب بی اثر شدن کارهای شایسته می‌گردد. شیطان گرچه عبادت خدا می‌کرد؛ به علت نداشتن ایمان واقعی دچار کبر گردید و بر سر کبریاپی خداوند به نزاع با او پرداخت و کبرورزی او زمینه ساز کف رشد؛ در نتیجه، از حقیقت چشم پوشی نمود و اعمال صالح او حبط گردید (R۹).

حضرت علی(ع) درجایی دیگر از خطبه، عامل نابودی اعمال را شرک و ارتداد معرفی کرده و آن را عامل ایجاد کفر بیان می‌نماید (R۶۱). ایشان عاقبت بازگشت کنندگان از اسلام را جز نابودی و گرفتاری نمی‌داند چنان که خداوند عاقبت امر آنان را جز آتش نمی‌داند (ر.ک: البقره: ۲۱۷، محمد: ۲۵-۲۸؛ زمر: ۶۵؛ الانعام: ۸۸). هم‌چنین حضرت همگان را از پیروی ناپاکان مفسد برحذر داشته؛ زیرا در صورت پیروی از آن‌ها نفاق ایجاد خواهد شد (A۱۰۳) و نتیجه ایجاد تفرقه جز نابودی نیست و قرآن نیز بر آن تأکید دارد (ر.ک: الاحزاب: ۱۸ و ۱۹، التوبه: ۶۷-۶۹). امام(ع) هنگامی که از عوامل بازدارنده نفوذ

شیطان سخن به میان می‌آورد، از انفاق و زکات نیز یاد کرده و بیان می‌کنند که اگر این عمل همراه با آزار یا متنی باشد، حبط گردیده و نمی‌تواند مانع نفوذ شیطان گردد. در نتیجه آن عمل نتیجه‌ی معکوس خواهد داشت (R۴۴، R۴۵) همچنان که در کلام وحی نیز بدان تصریح شده است (ر.ک: البقره: ۲۶۴).

در جای دیگر خطبه اطاعت نکردن از خدا و پیامبر (ص) را از مهم‌ترین عوامل حبط اعمال می‌داند. (R۳۶) که به صراحت در قرآن کریم نیز این مطلب تذکر داده شده است (ر.ک: محمد: ۳۳). اطاعت همه جانبه از پیامبر (ص) که علاوه بر تصدیق کتاب، تسلیم محض بودن در برابر اوامر می‌طلبد. یکی از این دستورات مهم اطاعت از جانشین اوست؛ تا هرگز این مسیر سعادت منقطع نگردد. پیامبر اکرم (ص) بارها جانشین خود را معرفی نموده؛ همچنان که حضرت علی (ع) نیز نقل قول پیامبر (ص) را بیان فرموده؛ آن‌جا که پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى، إِلَّا أَنْكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ، وَ لَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَإِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ» (P۳). مهم‌ترین مصداق عدم اطاعت از رسول (ص)، نپذیرفتن ولایت امیرالمؤمنین (ع) است که در روایات بسیاری به اسناد معتبر از پیامبر (ص) نقل شده است (عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱/ ۱۵۹-۱۶۲).

۵.۷.۵ فروافتادن به جهنم

در بند کشیدنی که آدمی را به گناهان گوناگون سوق می‌دهد و به دنبال آلودگی او به گناهان، جز آتش جهنم چیزی انتظارش را نمی‌کشد؛ و اعمالش در دنیا، آماده کننده‌ی آتش در قیامت خواهد بود. [وَسَوْفًا بِخَزَائِمِ الْقَهْرِ إِلَى النَّارِ الْمُعَدَّةِ لَكُمْ؛ کنایه صفت از موصوف بوده و منظور از آن جهنم است.] در نتیجه عذاب الهی شامل حال این افراد است و دیر اتفاق افتادن آن دلیل بر عدم رخداد آن نیست (A۵۴).

۸.۵ عوامل بازدارنده از نفوذ شیطان

همان‌طور که بیان شد، شیطان با همه‌ی قوا، قصد نابودی انسان را کرده؛ پس لازم است در مقابله با او از تمام توان جسمی، مادی و معنوی استفاده نمود. حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه به تفصیل عوامل بازدارنده از نفوذ شیطان را نیز بیان کرده‌اند که پس از تحلیل

محتوای کل خطبه، این مضامین به دو بخش راهکارهای اعتقادی و عملی تقسیم شدند که در ادامه جزئیات آن بیان شده است:

۱.۸.۵ راه کارهای اعتقادی بازدارنده از نفوذ شیطان

امام علی (ع) مقابله با شیطان را با عبارت «فَاجْعَلُوا عَلَيْهِ حَدَّكُمْ، وَ لَهُ جَدُّكُمْ» بیان فرموده‌اند (۱۴). ابن ابی الحدید کلمه «حد» را تیزی و شجاعت می‌داند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ج ۱۳ / ۱۴۰). ابن میثم آن را شجاعت، حمله وری و غافلگیری (بحرانی، ۱۳۸۵: ج ۴ / ۴۳۲) توصیف می‌کند و در بررسی کلمه‌ی «جَدَّ و جَدَّ»، «جَدَّ» را به معانی عظمت، بی‌نیازی و بهره‌مندی (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸ / ۶) و «جَدَّ» را به معنای تلاش و همچنین قطع تعریف کرده است. در مجموع، هر دو کلمه، قطع علاقه از شیطان را نتیجه می‌دهد؛ زیرا جَدَّ به معنی قطع و جَدَّ نیز مجاهده در مقابل شیطان را معنی می‌دهد. (ابن فارس، ۱۴۱۰: ج ۱ / ۴۰۷). تمام هدف از مقابله با شیطان، انقطاع از او و پیوستن به صف حق طلبان است؛ پس داروی درد هجمه‌ی شیطان، حمله‌ی شجاعانه به او است؛ به‌طوری که، شیطان از آدمی قطع امید نماید.

در نتیجه یکی از راه‌های غلبه بر شیطان، «قطع ارتباط با او» است و هر آنچه اندک پیوندی بین انسان و شیطان ایجاد کند، عامل ابتلاء به بیماری کبر می‌شود. علقه‌ای که میان انسان و جان، مال، فرزند و دانش و... ایجاد می‌شود، در صورتی که رنگ منیت یابد، عامل نفوذ شیطان است. لازمه‌ی مقابله با آن و داشتن علاقه‌ای پسندیده میان بشر و نعمت‌هایی که به او داده شده است نیز توجه به «اختصاص مقام کبریایی برای خداوند» است؛ زیرا در درجه‌ی اول، همه چیز از آن خداست و با از دست دادن آن، آدمی دچار جزع و فزع نمی‌شود و راه شیطان را به سوی خود می‌بندد. در این مسیر، نه مال، نه فرزند و نه دانش بدون رنگ خدا، نمی‌تواند مانع نفوذ شیطان گردد (A۱۷۹).

باید توجه داشت که اتصال به خداوند و توجه به کبریایی الهی و انقطاع از شیطان ثمربخش‌ترین گام، در این مسیر است، زیرا تکبر شیطان، تا حدی او را در گمراهی غوطه‌ور نمود که در سخن خود با استعمال کلمه‌ی رب، خداوند را عامل گمراهی خود می‌داند که این اقدام، نهایت تکبر در برابر عظمت پروردگار است (Q۶). آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، مقام کبریایی الهی است، همانگونه که در روایتی از پیامبر اکرم (ص)

آمده است: «خداوند غضبش را در بین گناهان مخفی کرده، پس هیچ گناهی را کم و کوچک نشمارید؛ زیرا نمی‌دانید غضب خدا در کدام است» (عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۵/۳۱۳). عامل دیگر «پناه بردن به خداوند» است. این استعاذه؛ یعنی پناه بردن به خداوند از شر شیطان، از شر کبر، حسد، غضب، فتنه و هر آنچه که خصیصه‌ی شیطان است. (A۱۱۸) در نتیجه انسان تبدیل به نیروی با بصیرت و مسلمان واقعی می‌شود که تنها رضایت الهی و دفاع از حق و گام نهادن در صراط مستقیم، در سایه‌ی فروتنی و پرهیز از تکبر و دقت در دشمن‌شناسی برایش مهم است، نه اینکه بخواهد به ناحق از حزب، گروه و خویشاوندانش حمایت کرده و بازیچه و مطیع شیطان شود (A۷۷). آنچه عمل فرد را برای رسیدن به کمال پویا می‌نماید، اخلاص است و دستیابی به آن انسان را شکست‌ناپذیر می‌نماید.

۲.۸.۵ راه کارهای عملی بازدارنده از نفوذ شیطان

در مسیر مبارزه با شیطان، خداوند متعال نعماتی از جمله نماز، روزه، زکات و... را به انسان ارزانی داشته تا در سایه‌ی برخوردارگی از آنها، از شیطان محفوظ مانده و در مسیر سعادت قرار گیرد و در پرتو توکل به خداوند، به کمال دست یابد. حضرت علی (ع) در بخشی از خطبه قاصعه می‌فرماید: «وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ، وَ مُجَاهَدَةِ الصِّيَامِ...»؛ و خداوند متعال بندگان باایمان خود را از فریبکاری‌های شیطان محفوظ و مصون می‌دارد به وسیله نمازها و زکات دادن‌ها و تحمل مشقت به وسیله روزه‌گرفتن (R۴۴). علی رغم اینکه عبادت خداوند موهبتی است از جانب پروردگار که خود از آن بی‌نیاز است، ولی شیطان نیازمند این عبادت است؛ هر چه بندگان شیطان بیش‌تر باشد، شیطان به هدفش نزدیک‌تر شده و هر چه بندگان شیطان کمتر، از هدف خود دور می‌شود (P۱).

این ابزار، نعماتی هستند برای محافظت آدمی در برابر هلاکت و خداوند بی‌نیاز از آن است و ما برای نجات از چنگال شیطان به آنها محتاجیم (A۱۸۲). به عنوان مثال «نماز» با خضوع و خشوعی که در آن است، نفس را ریاضت داده و انسان را از کارهای ناپسند باز می‌دارد (ر.ک: عنکبوت: ۴۵) و «زکات»، نفس را به بخشش مال و عدم دل‌بستگی به آن تمرین داده و جان آدمی را پاک و نورانی می‌کند (ر.ک: التوبه: ۱۰۳) و مشکلات زیادی

را از سر راه نیازمندان، برمی دارد. «روزه» نیز از انسان، فردی متقی می سازد (ر.ک: البقره: ۱۸۳).

حضرت علی (ع) برای روزه عبارت «مجاهده» را آورده اند؛ زیرا روزه، جهاد در پرهیز از خوردن و آشامیدن و جهاد به منظور محافظت از زبان و دیگر جوارح است؛ پس عدم تحمل گرسنگی و تشنگی نمی تواند جوازی برای روزه نگرفتن باشد؛ زیرا آنچه با روزه همراه است مجاهده است (A۱۸۳). امام علی (ع) در این رابطه می فرماید: «هر چیزی زکاتی دارد، و زکات تن روزه داری است» (نهج البلاغه: ح ۱۳۶). انسان در پرتو اقامه نماز، به سکینه می رسد؛ با شروع نماز، جسم در حالت آرامش قرار گرفته و با ورود به نماز، آرامش به روح منتقل می شود و با کنار گذاشتن همه چیز غیر خدایی، تمام جوانب تنش را از خود دور کرده و در پناه قدرت مطلق قرار می گیرد که پیامد آن جز آرامش نیست.

این اعمال کنار هم، نسخه‌ی درمانگر است؛ نماز بدون زکات، روزه‌ی بدون نماز و... هیچ کدام به تنهایی نمی توانند مثمر ثمر بوده و فرد را به کمال برسانند (A۱۸۲). در آیات متعدد قرآن نیز به این مطلب اشاره شده است (ر.ک: البینه: ۵؛ المزمّل: ۲۰؛ المجادله: ۱۳؛ فاطر: ۱۸؛ الاحزاب: ۳۳؛ لقمان: ۴؛ النمل: ۳؛ النور: ۵۶؛ الحج: ۷۸ و ۴۱؛ الانبیاء: ۷۳؛ مریم: ۵۵ و ۳۱؛ التوبه: ۷۱ و ۱۸ و ۱۱ و ۵؛ المائده: ۵۵ و ۱۲؛ النساء: ۱۶۲ و ۷۷؛ البقره: ۲۷۷ و ۱۷۷ و ۱۱۰ و ۸۳ و ۴۳).

بنابراین وقتی انسان خود را در برابر قدرت بزرگتر یافت، دیگر جایی برای سرکشی، باقی نمی ماند و یکپارچه مطیع اوامر پروردگار می شود و این پیروزی در برابر شیطان است. قرار گرفتن در برابر قدرت الهی، گاهی ترسی در وجود آدمی ایجاد می کند که در نهایت، آدمی را مسلح به سلاح «بکاء» می کند؛ سلاحی که عامل ترس و دوری شیطان از او می شود (A۵۸). مورد دیگر از راهکارهای عملی مبارزه و مقابله با شیطان نیز توجه به «معاد» است. انسانی که زندگی دنیا را گذرا می داند و به رستخیز ایمان دارد، قلبش پذیرای دستورات خداوند و پیامبر (ص) می شود و با ایمانش، راه نفوذ شیطان را مسدود می نماید (PV).

۶. نتیجه گیری

در این پژوهش به یکی از مهم ترین موضوعات مبتلا به انسان در خطبه قاصعه امام علی (ع) با روش تحلیل محتوا پرداخته شده است. این خطبه که پس از جنگ با خوارج کج فهم

پیرامون حقیقت دین و برای مردم کوفه اقرار شده، طولانی‌ترین خطبه امام علی(ع) بوده و از مضامین بسیار غنی برخوردار است. شارحان نهج‌البلاغه مهم‌ترین موضوع این خطبه را پرهیز از تکبر معرفی کرده‌اند، ولیکن مطالعه دقیق متن خطبه با روش تحلیل محتوا نشان داد که پربسامدترین موضوع این خطبه، معرفی شیطان و راهکارهای نفوذ او در انسان است.

امام علی(ع) در این خطبه تلاش کرده‌اند تا تصویر روشنی از شیطان ارائه دهند، لذا مباحثی شامل القاب شیطان، نمایندگان و پیروان شیطان، توان و گستره فعالیت شیطان، عوامل انزجار شیطان، راهکارهای نفوذ شیطان در انسان، سرانجام تبعیت از شیطان و راهکارهای اعتقادی و عملی مبارزه با شیطان را به گونه‌ای دقیق و با جزئیات بیان کرده‌اند.

در معرفی شیطان، حضرت با استفاده از دو لفظ ابلیس و شیطان، این مطلب را بیان می‌کنند که واژه «شیطان» معنای عام دارد و هر موجود شرور را دربر می‌گیرد. «ابلیس» نیز مصداق آن و همان شیطان جنی است که از درگاه الهی رانده گشت. البته در بیش‌تر موارد حضرت(ع) از ضمیر استفاده کرده که نشان دهنده‌ی انزجار از شیطان و اشاره به ویژگی «مخفی و پنهان بودن» او و تحقیرش دارد.

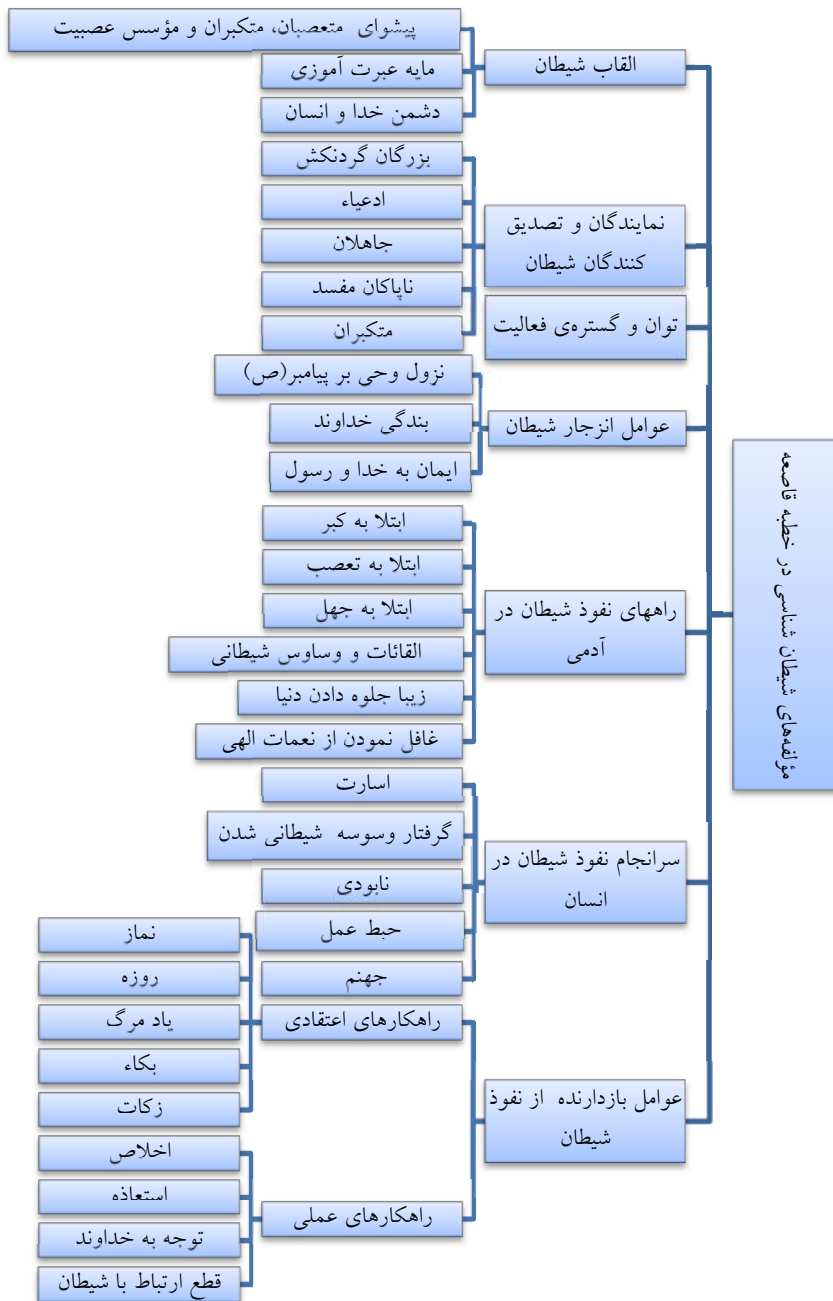
از منظر امام علی(ع) از آنجا که ابلیس موجودی دارای تعقل بوده، لذا از روی اختیار تصمیم به مخالفت با خداوند گرفته است؛ بنابراین می‌تواند نمونه‌ی بارزی برای عبرت‌آموزی انسان باشد. به همین منظور آن حضرت تلاش دارد تا راهکارهای نفوذ شیطان از جمله مبتلا کردن به کبر و تعصب، مبتلا کردن به جهالت، القانات و ساوس شیطانی، زیبا جلوه دادن دنیا و غافل نمودن از نعمات الهی را بیان کرده، و چگونگی و مراحل این نفوذ و نتایج گمراهی توسط شیطان از جمله اسارت، گرفتار و سوسه شیطانی شدن، نابودی، حبط عمل و فرو افتادن به جهنم را تبیین کرده و راهکارهای مقابله با شیطان را به تفصیل بیان کنند. قابل توجه است که امام(ع) در بیان راهکارهای مقابله با شیطان، به بیان دو دسته راهکارهای اعتقادی و عملی پرداخته و توجه به هر دو بخش را برای مبارزه ضروری می‌دانند، چراکه صرف اعتقاد به خداوند متعال کافی نبوده و اقدامات عملی برای مبارزه با شیطان لازم است.

توجه به مقام کبریایی خداوند، تداوم یاد خدا، دوری از عوامل نفوذ شیطان و استعاذه به خدا، بخشی از راهکارهای اعتقادی بوده و اعمال عبادی مانند اقامه نماز، روزه، پرداخت

مراحل نفوذ شیطان و راه کارهای مقابله با آن ... (فتحیه فتاحی زاده و دیگران) ۳۱

زکات و یادآوری مرگ بخشی از راهکارهای عملی برای مبارزه با شیطان است که امام(ع) در خطبه قاصعه بدان سفارش کرده است.

لازم به ذکر است که در این مقاله، از روش «تحلیل محتوا» استفاده شد تا ضمن تجزیه و تحلیل دقیق عبارات خطبه و ارائه استنادات لازم، در پایان یک تصویر کامل از مقوله «شناخت شیطان» از منظر امام علی(ع) بیان کنیم که نمودار ذیل، بخشی از آن است:



نمودار ۲. کلیت دسته‌بندی مؤلفه‌های «شیطان‌شناسی» در خطبه قاصعه

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابراهیم زاده، رحمت (۱۳۸۹ش)، پایان نامه ارشد: بررسی زبان شناختی خطبه قاصعه نهج البلاغه، دانشگاه مازندران.
- ابن ابی الحدید، عزالدین (۱۳۸۵ق)، شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن درید؛ (۱۴۰۷ق) جمهره اللغه، بیروت: دارالعلم الملايين.
- ابن فارس، احمد (۱۴۱۰ق)، معجم مقاییس اللغه، بیروت: دارالاسلامیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- امین ناجی، محمد هادی (۱۳۷۵ش)، پایان نامه ارشد: بررسی و تحلیل خطبه قاصعه و پیوند آن با زمینه سیاسی اجتماعی کوفه، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵ش)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بحرانی، ابن میثم (۱۳۸۵ش)، شرح نهج البلاغه، مترجم حبیب روحانی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- جانی پور، محمد (۱۳۹۰ش)، اخلاق در جنگ؛ تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین علی (ع) و معاویه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۸ش)، نگاهی به علی، تهران، انتشارات جهان آرا.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)، تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت: دارالعلم الملايين.
- دین پرور، سید محسن (۱۳۸۲ش)، فصلنامه نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالشامیه.
- راوندی، قطب الدین (۱۳۶۴ش)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۹ش)، فروغ ولایت، انتشارات مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- شاه بیدکی، مهسا (۱۳۹۵ش)، پایان نامه ارشد: بررسی و تحلیل واژگان مشکل نهج البلاغه، تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
- طوسی، ابی جعفر (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دارالتقافه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، وسایل الشیعه، بیروت: احیا التراث.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، قم: نشر هجرت.

- عزت دوست، محمد (۱۳۹۸ش)، «روش‌شناسی فهم حدیث در فرایند سه‌گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، مجله حدیث پژوهی، سال ۱۱، شماره ۲۱، صص ۲۹۱-۳۲۰.
- کاشفی، صدیقه (۱۳۹۷ش)، پایان‌نامه ارشد: تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی(ع)، تهران: دانشگاه الزهراء(س).
- کمیلی تخته‌جان، غلامحسین (۱۳۸۲ش)، پایان‌نامه ارشد: شرح خطبه قاصعه امام علی(ع)، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مغنیه، محمد جواد (۱۳۹۹ق)، فی ظلال نهج‌البلاغه محاوله لفهم جدید، ج ۳، چاپ سوم، بیروت، دار العلم للملایین.
- موسویان، طاهره (۱۳۹۳ش)، پایان‌نامه ارشد: اعراب و بلاغت خطبه قاصعه، تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه احیاء التراث.
- هاشمی خویی، حبیب‌الله (۱۳۶۴ش)، منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه، تهران: مکتبه الاسلامیه.